

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



دانشگاه تهران

دانشکده حقوق و علوم سیاسی

موضوع:

تبار شناسی گفتمان قوم گرایی آذری در ایران معاصر

نگارش:

سیدعلی سید رزاقی

استاد راهنما:

آقای دکتر صادق زیباکلام

استاد مشاور:

آقای محسن خلیجی

پایان نامه برای دریافت درجه کارشناسی ارشد

در رشته علوم سیاسی

زمستان ۱۳۸۲

۱۱۱۰۲۷

۸۷/۱/۱۰۸۰۸۲
۸۸ - ۱۳۴

استاد اطلاعات در آن صورت
سید علی سید رزاقی

۱۳۸۸ / ۱ / ۱۷



دانشکده حقوق و علوم سیاسی
گروه آموزشی علوم سیاسی
گواهی دفاع از پایان نامه کارشناسی ارشد

هیات داوران پایان نامه کارشناسی ارشد : سید علی سیدرزاقی

در رشته : علوم سیاسی : گرایش :

با عنوان : تبار شناسی گفتمان قوم گرایی آذری در ایران معاصر

را در تاریخ : ۸۷/۱۱/۲۹

به عدد	به حروف
۱۸۱۵	هشده هزار و صد و پانزده

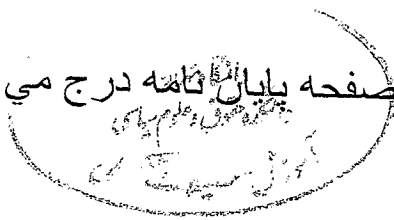
با نمره نهایی :

ارزیابی نمود .

با درجه :

ردیف	مشخصات هیات داوران	نام و نام خانوادگی	مرتبۀ دانشگاهی	دانشگاه یا موسسه	امضاء
۱	استاد راهنما استاد راهنمای دوم (حسب مورد):	دکتر صادق زیباکلام	استاد	دانشکده حقوق و علوم سیاسی	
۲	استاد مشاور	دکتر محسن خلیجی	استادیار	دانشکده حقوق و علوم سیاسی	
۳	استاد داور (یا استاد مشاور دوم)	دکتر حمید احمدی	استاد	دانشکده حقوق و علوم سیاسی	
۴	استاد مدعو				
۵	نماینده کمیته تحصیلات تکمیلی گروه آموزشی :	دکتر عبدالرحمن عالم	استاد	دانشکده حقوق و علوم سیاسی	

تذکر : این برگه پس از تکمیل هیات داوران در نخستین صفحه پایان نامه درج می گردد





جمهوری اسلامی ایران
دانشگاه تهران

شماره _____
تاریخ _____
پدوست _____

اداره کل تحصیلات تکمیلی

باسمه تعالی

تعهد نامه اصالت اثر

اینجانب ^{شماره ۱۱۱۱۱۱} متعهد می شوم که مطالب مندرج در این پایان نامه رساله حاصل کار پژوهشی اینجانب است و به دستاوردهای پژوهشی دیگران که در این پژوهش از آنها استفاده شده است، مطابق مقررات ارجاع و در فهرست منابع و مآخذ ذکر گردیده است. این پایان نامه / رساله قبلاً برای احراز هیچ مدرک هم سطح یا بالاتر ارائه نشده است. در صورت اثبات تخلف (در هر زمان) مدرک تحصیلی صادر شده توسط دانشگاه از اعتبار ساقط خواهد شد. کلیه حقوق مادی و معنوی این اثر متعلق به پردیس / دانشکده / مرکز دانشگاه تهران می باشد.

نام و نام خانوادگی دانشجو: محمد سید زینلی
امضاء: محمد سید زینلی

آدرس: خیابان انقلاب اول خیابان فجر رازی - پلاک ۵ - کد پستی: ۱۳۰۴۵/۵۶۸

تلفن: ۶۴۹۷۳۱۴

Ata ve anamin xatiresine ithaf olunur

سپاسگزاری

با کمال تشکر از اساتید بزرگوار جناب آقای دکتر صادق زیباکلام، دکتر محسن خلیجی و دکتر حمید احمدی که تدوین این پایان نامه بدون راهنمایی های ایشان امکان پذیر نبود.

چکیده

تبیین و تحلیل گفتمان قوم‌گرایی آذری در ایران معاصر از دوران مشروطه تا امروز موضوع اصلی این نوشتار است. در این پژوهش سعی شده است با بررسی کتب، مقالات و نوشته‌های فعالان قوم‌گرا در طی صد سال اخیر به این مهم توجه شود که چند گونه گفتمان با چه تفاوت‌هایی و چه نقاط اشتراکی و در چه دوره‌هایی پدید آمده‌اند.

هر گفتمانی منطق‌های خاص خود را دارد. در عین حال که نتیجه بسط و گسترش و یا بحران منطق دوره است، در عین حال از منطق‌های دیگر متمایز است. از عناصر خاص خود تشکیل شده و مبادی متفاوتی دارد. در حقیقت هر گفتمان در نقد، بازسازی یا گسست از گفتمان قبلی پدید آمده است و در عین حال عناصری از گفتمان سابق نیز در گفتمان جدید به چشم می‌خورد.

در این نوشتار تاکید اصلی بر روی گزاره‌ها، متون و مفاهیمی است که توسط قوم‌گرایی رادیکال آذری از سیاست و مسائل سیاسی مبتلا به ارائه می‌شود. ملاک انتخاب نیز تأثیرگذاری آراء و نظرات آنان طی دوره‌های مورد بررسی بود.

واژه‌های کلیدی: گفتمان، قومیت، تبارشناسی، قوم‌گرایی رادیکال

فهرست مطالب

۱	مقدمه
۳	فصل اول: گفتمان چیست
	دیرینه شناسی
	تبار شناسی
	ویژگیهای محموری نظری گفتمان
	- گفتمان و مفصل بندی
	- گفتمان و تحلیل سیاسی
	- ضدیتها
	- فردیت و عاملیت
	- استیلا(هژمونی)
۳۳	فصل دوم: درآمد
۵۴	فصل سوم: آذربایجان ایران
۶۲	فصل چهارم: قوم گرایی رادیکال

- جلیل محمد قلی زاده

- فرقه دمکرات آذربایجان

- روزنامه آذربایجان

- فریدون ابراهیمی

- بولود قارا چورلو (سهند)

- علی تبریزی

- محمد تقی زهتابی

۱۱۶

نتیجه گیری

۱۲۱

کتابنامه

تبیین و تحلیل گفتمان قوم‌گرای آذری در ایران معاصر از دوران مشروطه تا امروز موضوع اصلی این نوشتار است.

اهمیت مباحث، حساسیت موضوعات به عنوان یک جریان مرتبط در دوره‌های مختلف و همچنین ناشناخته ماندن، یا در دسترس نبودن بسیاری از منابع مرتبط با موضوع جملگی عواملی هستند که ضرورت اهتمام به پژوهش در چنسن موضوعاتی را نشان می‌دهد.

در این پژوهش سعی میشود با بررسی کتب، مقالات و نوشته‌های فعالان قوم‌گرا در طی صد سال اخیر به این مهم توجه شود که چندگونه گفتمان با چه تفاوت‌هایی و چه نقاط اشتراکی و در چه دوره‌هایی پدید آمده‌اند. آیا آنچه امروز در قالب مباحث قوم‌گرایانه عنوان میشود همان است که فرضاً در دوران فرقه‌دمکرات آذربایجان توسط فرقه‌دمکرات مطرح میشده یا از نظر محتوا متحول گردیده یا دگرگون شده است؟

در این نوشتار تاکید اصلی بر روی گزاره‌ها، متون و مفاهیمی است که توسط قوم‌گرائی رادیکال آذری از سیاست و مسائل سیاسی مبتلا به ارائه میشود. ملاک انتخاب نیز تاثیر گذاری آراء و نظرات ایشان طی دوره‌های مورد بررسی است.

هر گفتمانی منطق‌های خاص خود را دارد. در عین حال که نتیجه بسط و گسترش و یا بحران منطق دوره است، در عین حال از منطق‌های دیگر متمایز است. از عناصر خاص خود تشکیل شده و مبادی متفاوتی دارد. در حقیقت هر گفتمان در نقد، بازسازی یا گسست از گفتمان قبلی پدید آمده است و در عین حال عناصری از گفتمان سابق نیز در گفتمان جدید به چشم می‌خورد.

به منظور درک گفتمان قوم‌گرای رادیکال آذری سعی بر آن است که عناصر اصلی این گفتمان با توجه به مفروضه‌ها، مفاهیم، احکام و گزاره‌های مرتبط با هم که در یک بستراجماعی-سیاسی خاص جدی گرفته می‌شود، بررسی شود. بنا برین تلاش نگارنده مطالعه متون text در قالب بسترها و چارچوب‌های سیاسی و اجتماع‌context است.

از لحاظ روش‌شناسی بر خصلت تاریخی اندیشه‌ها نظر افکنده می‌شود. همین مفهوم امروزه در مفهوم گفتمان بیان می‌شود.

مفهوم تبار‌شناسی نیز به ما کمک می‌کند به روشی برای تشخیص و درک معنای کردارهای اجتماع‌ از درون دست‌یابیم

به کمک این مفهوم پژوهشگر دیگر ناظر بی‌طرف پیکره‌های گفتمانی ناگویا و گنگ نیست بلکه در گیر کردارهای اجتماع‌ می‌شود.

در مورد بازه زمانی، انتخاب صد سال برای پژوهش نیز شاید به نظر برخی قابل ایراد باشد، اما باید توجه داشت که تاریخ‌فکر با تاریخ‌حوادث تفاوت اساسی دارد. به نظر می‌رسد مطالعه تاریخ‌فکر، طی یک‌صد سال نه تنها امری مذموم نیست بلکه ضروری است

فصل اول

گفتمان چیست

گفتمان چیست

واژه گفتمان (discourse) از جمله مفاهیم مهمی است که در تفکر، فلسفی، اجتماعی، سیاسی غرب، خصوصاً در نیمه دوم قرن ۲۰ اهمیت بسزایی داشته است.

واژه discourse در زبان فارسی به صورت های مختلفی ترجمه شده که هر یک ممکن است به جای خویش صحیح و معتبر بنماید. از جمله معادل های فارسی این لغت عبارتند از نطق، خطاب، سخن، گفتار و گفتمان^۱. نظر به اینکه استعمال چهار واژه نخست با توجه به کاربردهایی که در زبان فارسی برای این واژگان وجود دارد، تا حدودی ممکن است غیر قابل تحدید باشد. در این نوشتار معادل فارسی گفتمان برای واژه "discourse" ترجیح داده شده است. واژه «گفتمان» دارای معانی متعددی است... در واقع هرگاه این واژه را در کاربردهای متفاوت آن در رشته های تخصصی مختلف مورد بررسی قرار دهیم، ابهام در معنا یا معانی متضاد آن را مشاهده خواهیم کرد^۲.

بر اساس نوشته لغتنامه ی وبستر، واژه discourse برای اولین بار در قرن ۱۴ در کتب ثبت شده است در مقابل معنای باستانی و غیر مستعمل گفتمان (توانایی فرد در ارائه فکری منسجم و منظم) که بعدها به معنی تبادل نظر از راه کلام به کار رفت. معنای جدید آن به بیان منظم، منسجم و معلول از یک فکر در مورد موضوعی خاص اشاره دارد^۳.

بر اساس تعریف دیگری، هر فعالیتی در قالب تعاملات فرهنگی که به تبادل معنا بینجامد، در چارچوب گفتمان قابل بررسی است؛ به عبارتی؛ وقتی ما با افرادی که با ما متفق النظرند، صحبت می کنیم، یا با

^۱ - جمیله کدیور - تحول گفتمان سیاسی شیعه در ایران، تهران، طرح نو ۱۳۷۹ ص ۲۶

^۲ - کریستوفر نوریس، گفتمان به دیده کریستوفر نوریس، گفتمان، شماره صفر، بهار ۱۳۷۷، ص ۱۹.

^۳ - Marriam Websters collegiare Dictionary (tenth edition) u. s.A: 1443, P 331.

کسانی که با ما اختلاف نظر دارند، جدل می‌کنیم، این اعمال را از طریق زبان انجام می‌دهیم. ما حرف می‌زنیم، می‌نویسیم، بحث می‌کنیم، ارتباط برقرار می‌کنیم. افراد حتی ایده‌های خود را در تصاویر، موسیقی، رقص و حرکت، در اشکال مادی شامل مجسمه‌سازی، معماری و ابزار و آلات مجسم می‌سازند. تمام شکل‌های ارتباط فرهنگی می‌توانند به عنوان "گفتمان" تلقی شوند، به معنایی که در برگزیده انسان‌هایی است که به تبادل معنای پیرامون جهانی که در آن زندگی می‌کنند، می‌پردازند^۱.

اصطلاح discourse از دهه ی ۱۹۶۰ در علوم انسانی، هنر و ادبیات کاربرد وسیعی پیدا کرده است. تا پایان قرن ۱۹ این واژه به معنای نظام ارائه بحث در مورد مسأله‌ای خاص به کار می‌رفت و محدوده ی آن تقریباً منحصر به نوشتار بود و تا حدودی به شیوه ی بیان مربوط می‌شد. در زیانشناسی جدید، بعد از فردینان دو سوسور، discourse به معنای کاربرد فردی زبان یا فصلیت یافتن زبان به کار رفت^۲.

مفهوم discourse در رشته‌ها و رهیافت‌های مختلف از زیانشناسی گرفته تا ادبیات و فلسفه مورد استفاده قرار گرفته است. در مفهوم تکنیکی‌تر، تحلیل گفتمان به مجموعه‌ای از ابزارهای روش شناختی برای تحلیل سخنرانی‌ها، نوشته‌ها، مصاحبه‌ها و گفت و گوها... اشاره دارد. تحلیلگران گفت و گو جنبه‌های مختلف گفت و گو را مورد بررسی قرار می‌دهند. از جمله آغاز و پایان آن، چگونگی معرفی موضوعات، حفظ یا تغییر آن، چگونگی توضیح حوادث توسط مردم و چگونگی تغییر جهت آنها.

اینجا مفهوم گفتمان کاملاً متن‌گرایانه یا زیانشناسانه است و تمرکز تحلیلی محدود به اجزای کوچکی از سخن یا نوشته است. برای تحلیلگران گفتمان انتقادی همچون میشل فوکو، برعکس، صورت بندی

^۱ - Tim Dant, Knowledge, Ideology & Discourse: A sociological perspective (Lodon: Routledge, 1991), p.1

^۲ - اریک برنز، میشل فوکو، ترجمه بابک احمدی، تهران، نسل قلم، ۱۳۷۳، مقدمه مترجم

گفتمان اشاره به مجموعه های معین و منظمی از ایده ها و مفاهیم دارد که ادعای تولید دانش در مورد جهان دارند. فوکو در شرح تاریخی گفتمان های علمی اش، سعی در طرح نظم های گفتمان زیرین آن ها دارد و تولیدات و تغییرات آن ها را به فرایندهای گسترده تر اجتماعی و سیاسی که جزئی از آن هستند، مرتبط می سازد^۱

به لحاظ لغوی discourse از کلمه لاتین discourrer گرفته شده و به معنای "به هرسو دویدن" است^۲ این واژه تلفیقی است از dis به معنی در جهات مختلف و currere به معنی دویدن یا سریع حرکت کردن^۳.

اگر چه این مفهوم به معنی تجلی زبان در گفتار یا نوشتار به کار برده می شود، ولی در علم معانی و بیان کلاسیک، بر زبان به عنوان حرکت و عمل تأکید شده است. به عبارت دیگر کلمات و مفاهیم که اجزای تشکیل دهنده ساختار زبان هستند ثابت و پایدار نبوده و در زمان ها و مکان های متفاوت ارتباطات آن ها دگرگون شده و معانی متفاوتی را القا می کنند.

دگرگونی این ارتباطات خود زاده ی دگرگونی شرایط اجتماعی-اقتصادی-سیاسی است، و چون این شرایط ثابت و پایدار نیستند، ساختار زبان نیز که توضیح دهنده ی این شرایط است نمی تواند ثابت و پایدار بماند. به باور تحلیلگران گفتمان، گفتمان بیانگر ویژگی ها و خصوصیات تاریخی چیزهای

^۱ - David Howarth Discourse Theory in the theory and methods in political science, Edited by D. Marsh and G. Stokes London : Macmillan press, 1995. p116

^۲ - Frank Manfred, on Foucault's concept of Discourse Michael Foucault philosopher (Harvester wheatsheaf, 1992), p. 99

^۳ - دکتر حمید عضدانلو، «درآمدی بر گفتمان یا گفتمان درباره گفتمان»، اطلاعات سیاسی، اقتصادی سال دهم شماره ی

۱۰۳-۱۰۴، فروردین-ارابهشت ۱۳۷۵، ص ۴۸

گفته شده و چیزهایی است که ناگفته باقی می ماند. با توجه به این نکته ضروری است که در درون گفتمان های متفاوت ، جهان به صورت های متفاوت درک می شود.

گفتمان ها نه تنها مربوط به چیزهایی است که می تواند گفته یا درباره اش فکر شود، بلکه درباره ی این نیز هست که چه کسی، در چه زمانی و با چه آمریتی می تواند صحبت کند.

از طرف دیگر گفتمان پنهان و ناآگاه است. گفتمان ها سازنده معنا و ارتباطات اجتماعی است، شکل دهنده ذهنیت و نیز ارتباطات اجتماعی - سیاسی (قدرت) است معانی و مفاهیم نه از درون زبان، بلکه از درون اعمال تشکیلاتی و ارتباطات اجتماعی - سیاسی (قدرت) ناشی می شوند. همین که کلمات و مفاهیم در درون گفتمان های مختلف گسترش پیدا کنند، معنا و تأثیر خود را تغییر می دهند. به عبارت دیگر "گفتمان ها امکانات تفکر را تعیین می کنند. آن ها کلمات را از طریق راه های ویژه تنظیم و ترکیب کرده و مانع ترکیبات دیگر شده یا آن ها را جابجا می نمایند"^۱.

« تیم دانت » گفتمان را محتوای مادی اظهاراتی دانسته که در یک چارچوب اجتماعی بین افراد مبادله می شود که قصد گویندگان بحث ها، این اظهارات را تحت تأثیر خود قرار می دهد و دیگر افرادی که در این امر مشارکت دارند، با آن به عنوان چیزی معنادار برخورد می کنند. به اعتقاد وی گفتمان آمیزه ی ساده و یکپارچه ی واژگان نیست، زیرا روابط بین الاذهانی نیز در آن دخیلند.^۲

^۱ - همان، ص ۴۸

^۲ - Dant , op . cit , p . 7.

تئوری ای-ون دیک معتقد است که « تحلیل گفتمان از آنجا که یک امر میان رشته ای است، توان آن را دارد که ارزیابی ساختاری را با ویژگی های متعدد گستره ی اجتماعی-فرهنگی و ادراکی مرتبط سازد.^۱

به اعتقاد وی یک از ویژگی های تحلیل گفتمان این است که در توصیف متن (نوشتار) و گفتار از نظریه های ایجاد شده برای سطوح یا ابعاد متعدد گفتمان استفاده می کند. از این رو در حالی که نشانه شناسی و زبان شناسی کلاسیک، یک تمایز کلی میان صورت (دال) و معنی (مدلول) ایجاد کرد، تحلیل گفتمان نشان می دهد که متن (نوشتار) و گفتار به مراتب پیچیده تر است. بر این اساس تحلیل گفتمان به تحلیل «متنی» محدود نمی باشد، بلکه از یک طرف روابط بین متن (نوشتار) و گفتار و از طرف دیگر بافت های تاریخی، فرهنگی، اجتماعی و ادراکی آن ها را نیز در برمی گیرد.^۲

وی نیز به این نکته معترف است که بخش اعظم اطلاعات گنجانده شده در یک متن به صراحت بیان نشده و حالت ضمنی دارد. واژه ها، بندها و دیگر عبارات متن ممکن است در بردارنده ی مفاهیم یا گزاره هایی باشند که می توان از طریق آگاهی یا اطلاعات قبلی بدان پی برد به عبارتی تحلیل ناگفته ها، گاهی اوقات بیش از مطالعه ی آنچه عملاً در متن بیان گردیده، روشنگر ماجرا می باشد.^۳

نکته مهم نظرات «ون دیک» باور به این نکته است که تحلیل گفتمان به ساختارهای متن منحصر نمی شوند. در حالی که این ساختارها بیانگر یا نشانگر مفاهیم و افکار عمده و متنوع می باشند، به منظور

^۱- تئوری ای-ون دیک، «تحلیل گفتمان جز» ترجمه حسن نورایی بیدخت، رسانه سال ششم، پائیز ۱۳۷۴، شماره ۳ ص

۲۷۰

^۲- همان، ص ۲۸

^۳- همان، ص ۳۰

نشان دادن ارتباط این مفاهیم عمده با متن، به تحلیل از گستره یا زمینه ادراکی، اجتماعی، سیاسی و فرهنگی نیازمندیم.

از طرف دیگر مفهوم گفتمان مرکزی ترین مفهوم در آرای فوکو محسوب می شود، منظور فوکو از گفتمان، توده‌ی بی شکل عبارات و گزاره‌هایی است که در آن دیرینه شناس، نظم و قاعده‌ی «پراکندگی» را کشف می کند. واحد یا ن اتم تحلیل « برای فوکو گزاره (حکم) است؛ مجموعه‌ای از علائم که درون یک گفتمان دارای معناست، مسأله محوری در تحلیل فوکو مشخص ساختن این موضوع است که چه چیزی وحدت و مبانی انسجام یک صورت بندی گفتمان را تشکیل می دهد. گزاره (حکم) دارای یک شکل (فرم) مادی همچون ابژه است، ولی هویت آن از وضعیت درون عمل یا نهادهای اجتماعی نشأت می یگیرد. گزاره در یک " حوزه گفتاری" ^۱ گزاره‌ها عمل می کند. که در بین آن‌ها روابط و مبادلاتی وجود دارد که این روابط به آن‌ها اجازه می دهد تا یکدیگر را تعقیب کنند، با یکدیگر همزیستی داشته باشند و به ایفای نقش با یکدیگر پردازند.^۲

به اعتقاد فوکو ماهیت گزاره و حکم « نسبی» است و بر حسب استفاده‌ای که از آن می شود و شیوه‌ی به کارگیری آن، نوسان پیدا می کند.^۳

بر این اساس می توان گفتمان را نظم نمادینی دید که به افراد قلمرو خود امکان صحبت و ارتباط با یکدیگر می دهد. بنابراین می توان گفت که هر گفتمان نظامی دارد ولی گفتمان‌های مختلف از نظم

^۱ - Enunciative field

^۲ - هیوبرت در یفوس و پل رابینو، میشل فوکو، فراسوی ساختگرایی و هرمنوتیک، ترجمه حسین بشیریه، نشرنی،

۱۳۷۶ص ۱۲۰

یگانه ای برخوردار نیستند. فوکو بر این باور که ماهیت گفتمان به گونه ای است که باعث بیان گزاره هایی خاص می شود و از بیان گزاره های دیگر جلوگیری می کند.

او معتقد بود که گفتمان ها شفاف هستند و نیازی به تأویل ندارند و کسی نمی تواند برای آن ها معنایی بتراشد. اگر کسی متن ها را به طریقی ویژه بخواند، حس خواهد کرد که آن ها به روشنی با ما حرف می زنند و خود نیاز به معنای مکمل بعدی یا تأویل ها را حذف می کنند. با وجود این وی به این مسأله معترف است که به دلیل آنکه معانی مختلف از گفتمان در نوشته هایش به کار برده، بیش از پیش بر ابهام این واژه افزوده است او در یکی از نوشته هایش می گوید که گفتمان ها را دست کم در سه معنای مختلف به کار برده است:

« فکر می کنم انگار به جای روشنتر کردن معنای بسار مبهم کلمه ی گفتمان بر ابهام آن افزوده ام؛ گاه آن را به معنای قلمرو و کلی تمام گزاره ها، گاه به عنوان مجموعه ی فرایت پذیری از گزاره و گاه نیز به معنای عمل نظام مندی به کار برده ام که به گزاره های ویژه ای معطوف است. گفتمان در سه مورد، چیزی شبیه به چارچوب است و از گزاره ها تشکیل شده است^۱.

این در حالی است که او در جای دیگر گفته بود گفتمان خشونت است که واژگان در حق اشیاء اعمال می کنند^۲ به گفته ی فوکو، « گزاره منفردند، بنابراین نمی توان آن ها را از طریق کلیت هایی همچون دستور زبان یا منطق استنتاج کرد.

پس منفرد بودن به این معنی است که از نظر ساختار، غیر قابل پیش بینی و از نظر شیوه وقوع تصادفی می باشد. گزاره به گونه ای است که ظهور دوباره اش غیرممکن است و رابطه اش با مفهومی که بیان

^۱ - Dant , op . cit , pp. 110- 111.

^۲ - Michael Foucault, Resume des cours (paris, Giliard , 1982), p.10.

می کند، شبیه مجموعه ای از قوانین کاربردی نیست، بلکه رابطه ای یک سویه است و اگر در چنین شرایطی صورت یک گزاره دوباره ظاهر شود (حتی اگر همان کلمات و همان نام ها و همان جمله باشد) الزاماً همان گزاره نیست...

بر این اساس، گزاره را نمی توان نوعی گفتن دانست، زیرا به رغم مادی بودنش، (یعنی ویژگی زمانی و مکانی اش) تکرار ناپذیر است.. و به همین دلیل نمی توان آن را به سطح صورت های دستوری یا منطقی تقلیل داد، زیرا بیش از صورت های دستوری و منطقی و به گونه ای متفاوت، در برابر تفاوت های موضوع، ماده، زمان و مکان حساس است^۱.

توجه به این نکته مهم است که یک گزاره ی مشابه می تواند در گفتارهای متفاوت و به صورت های مختلف اظهار و ابراز شود و از سوی دیگر در همان زمان در چندین جمله صحیح و مکرر و هم معنا، گزاره های متفاوتی می تواند بیان شود^۲.

به نظر فوکو ساختار هر پژوهش متأثر از این است که چه مفاهیم و گزاره هایی با هم قابل درکند، چگونه آن گزاره ها موضوعاً سامان می یابند، کدام یک از آن گزاره ها «جدی» تلقی می شوند، به چه کسی این قدرت تفویض شده که به طور جدی سخن گوید و چه پرسش ها و روندهایی برای ارزیابی اعتبار گزاره هایی که جدی گرفته می شوند، بجای تلقی می شوند این حوزه های تاریخی معرفت که فوکو در دیرینه شناسی دانش آن ها را «صورت بندی گفتمان» می نامد، موضوع های مورد بحث را هم شامل می شود.

^۱ - Frank , op . cit , p . 111.

^۲ - Ibid . p 111.